



دانشگاه تبریز
دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

گروه زبان‌شناسی، آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان،

و

فرهنگ و زبان‌های باستانی

بررسی زبان غیرمؤدبانه بین زنان و مردان فارسی‌زبان تهرانی

استاد راهنما: دکتر گلناز مدرسی قوامی

استاد مشاور: دکتر یحیی مدرسی تهرانی

نگارنده: ساناز حاجی محمدی

پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته

زبان‌شناسی همگانی

زمستان ۱۳۸۹

بهنام خالق يكتا

تقدیم به:

مادر، پدر و پسر عزیزم

9

همه عزیزانی که مرا یاری دادند

تقدیر و تشکر

سپاس خداوندی را که مرا در راه رسیدن به اهدافم همواره یاری کرده است. بر خود لازم می دانم، تا از سرکار خانم دکتر مدرسی به خاطر زحمات بی دریغ و دلسوزانه و راهنمایی های راه گشایشان برای به انجام رساندن این پایان نامه کمال تشکر را داشته باشم. همچنین جا دارد از آقای دکتر مدرسی به خاطر راهنمایی هایشان سپاسگزاری کنم. از خانم دکتر شقاقی نیز که با رویی گشاده قبول زحمت فرمودند و داوری این پایان نامه را متقبل شدند صمیمانه سپاسگزارم. از مادر دلسوز و پدر مهربانم که هیچگاه حمایتشان را از من دریغ نکردند نهایت قدردانی را دارم. امید دارم که بتوانم پاسخ گوی تمام زحمات این عزیزان باشم.



فرم گردآوری اطلاعات پایان‌نامه‌ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: بررسی زبان غیرمؤدبانه زنان و مردان فارسی زبان تهرانی
نویسنده / محقق: ساناز حاجی محمدی
استاد راهنما: خانم دکتر گلناز مدرسی قوامی استاد مشاور: آقای دکتر یحیی مدرسی استاد داور: خانم دکتر ویدا شقاقی
کتابنامه: دارد (فارسی و انگلیسی) واژه‌نامه: دارد (فارسی و انگلیسی)
نوع پایان‌نامه: □ بنیادی □ توسعه‌ای □ کاربردی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد سال تحصیلی: ۱۳۸۹
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات و زبان‌های خارجی
تعداد صفحات: ۱۲۰ گروه آموزشی: زبان‌شناسی، آموزش فارسی به غیرفارسی زبانان و فرهنگ و زبان‌های باستانی
کلیدواژه‌ها به زبان فارسی: فقدان ادب، ادب، وجهه، کنش تهدید وجهه
کلیدواژه‌ها به زبان انگلیسی: Impoliteness, Politeness, Face, Face Threatening Act

الف: مقدمه

زبان پدیده‌ای است اجتماعی که زمان پیدایش آن به زمان شکل گرفتن نخستین اجتماعات انسانی برمی‌گردد. در واقع، زبان یکی از ضرورت‌های زندگی اجتماعی است و به کارگیری آن یکی از ویژگی‌های انسان اجتماعی به شمار می‌آید. با تحول اجتماعات بشری و پیچیده‌تر شدن سازمان‌ها و روابط اجتماعی، زبان نیز به عنوان یک نظام ارتباطی و در جهت برآوردن نیازهای ارتباطی جامعه‌های گوناگون انسانی دچار تحول گردید و رفته رفته شکل کامل‌تری پیدا کرد. خصلت اجتماعی زبان به طور کلی مورد پذیرش و تأیید دانشمندان قرار داشته است، اما در نیمه دوم قرن بیستم میلادی ارتباط و همبستگی زبان و جامعه موضوع بررسی‌های گسترده علمی قرار گرفت. زبان‌شناسانی نظیر لباو^۱، فیشمن^۲ و ترادگیل^۳ بر کاربرد نامتقارن زبان در سطح جامعه تأکید داشتند و با بهره‌گیری از روش‌های جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی همبستگی متغیرهای زبانی و اجتماعی را به شیوه‌ای علمی و منظم نشان دادند.

ب: هدف پژوهش

جامعه‌شناسی زبان یکی از جدیدترین رشته‌های زبان‌شناسی است. جامعه‌شناسان زبان را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و در بافت اجتماعی فرهنگی آن بررسی می‌کند. پس از آنکه در چند دهه گذشته، این رشته در میان سایر رشته‌های زبان‌شناسی جایگاه ویژه‌ای یافت، مطالعات و بررسی‌های ارزنده‌ای در قلمرو روند گسترش آن انجام گرفت که هنوز نیز ادامه دارد.

با تحول اجتماعات بشری و پیچیده‌تر شدن سازمان‌ها و روابط اجتماعی، زبان نیز به عنوان یک نظام ارتباطی و در جهت برآوردن نیازهای ارتباطی جامعه‌های گوناگون انسانی، دچار تحول گردید. هر زبان به‌ویژه در جامعه‌های بزرگ شهری، دارای تنوعات درونی قابل ملاحظه‌ای است و سبک‌ها و گونه‌های اجتماعی و محلی مختلفی را در بر می‌گیرد.

با توجه به این مقدمه و همبستگی زبان و جامعه ضرورت این گونه تحقیقات و اهداف آنها نیز مشخص می‌گردد و در هر جامعه زبانی پژوهش‌های متعددی در این باب صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، پس از آنکه تأثیر عوامل برون زبانی و به خصوص عوامل اجتماعی، بر زبان مشخص گردید، توجه بسیاری از جمله

^۱ - W. Labov

^۲ - P. Fishman

^۳ - P. Trudgill

زبان‌شناسان و به ویژه جامعه‌شناسان زبان به بررسی این عوامل معطوف می‌شود. در هر یک از این پژوهش‌ها، تأثیر یک یا چند عامل برون‌زبانی در جوامع زبانی متفاوت، مورد بررسی قرار گرفته است.

مشاهدات محدود نگارنده نشانگر آن است که در زبان فارسی زنان و مردان از شیوه‌های متفاوتی برای بیان مقصود استفاده می‌کنند. به بیان دیگر گفتار آنان دارای تمایزاتی است که اگر متغیر سن را نیز دخیل بدانیم، نتایج قابل توجهی را با مبحث فقدان ادب پیش رو خواهد داشت. هدف از این تحقیق بررسی عوامل دخیل و مؤثر در استفاده از زبان عاری از ادب می‌باشد. اهداف این پژوهش را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

◀ بررسی فقدان ادب با در نظر گرفتن متغیرهای زبانی و اجتماعی.

◀ چگونگی تشخیص و استفاده از فقدان ادب از دیدگاه گوینده و شنونده.

ج: مبانی نظری

ادب

لوکر (۲۰۰۴) معتقد است که محققان هنوز در مورد اینکه رفتار مؤدبانه، مناسب و عادی را چه بنامند توافق نظر ندارند. می‌توان ادب را یک مفهوم ثابت در نظریه رفتار اجتماعی مؤدبانه یا آداب معاشرت^۴ در یک فرهنگ دانست. همچنین می‌توان تعدادی اصول کلی برای مؤدب بودن در یک تعامل اجتماعی در یک فرهنگ خاص در نظر گرفت که از جمله آنها می‌توان مبادی آداب بودن، بخشنده و فروتن بودن و همدردی با دیگران را نام برد. شرکت‌کنندگان در یک تعامل به خوبی از این اصول مطلع هستند.

توافق افراد بر سر مؤدبانه بودن یا غیر مؤدبانه بودن رفتار دیگران از اهمیت بسیاری برخوردار است، زیرا این موضوع در پیچ‌های به‌سوی روابط اجتماعی گروه‌ها باز می‌کند. افراد در انتخاب رفتار مؤدبانه، مناسب و غیر مؤدبانه خود را در رابطه با مجموعه‌ای از هنجارهای اجتماعی قرار می‌دهند که به وسیله گروهی که آن فرد عضوی از آن است تعیین می‌شود.

^۴ - etiquette

برای درک بهتر ادب باید وجهه را بشناسیم. به عنوان یک اصلاح فنی، وجهه به معنی تصویر عمومی یک فرد است از حس اجتماعی و عاطفی اش که انتظار دارد دیگران نیز آن را بفهمند. با این تعریف، ادب را می توان وسیله ای برای نشان دادن آگاهی افراد از وجهه طرف مقابل تعریف کرد.

ادب را می توان با توجه به فاصله یا نزدیکی اجتماعی^۵ افراد نیز تعریف کرد. نشان دادن آگاهی از وجهه طرف مقابل هنگامی که بین مشارکان فاصله اجتماعی وجود دارد اصطلاحاً احترام^۶ نامیده می شود. در مقابل، نشان دادن آگاهی از اینکه طرف مقابل از نظر اجتماعی به شما نزدیک است اصطلاحاً دوستی، رفاقت یا همبستگی نامیده می شود. بنا به تعاریف ذکر شده انواع مختلفی از ادب وجود دارد که بسته به فاصله یا نزدیکی اجتماعی تعیین می شوند.

فقدان ادب

تعدادی از نظریه پردازان توافق دارند که موضوع ادب و فقدان ادب باید با هم بررسی شوند و اینکه گفتار غیرمودبانه بر روابط بین افراد جامعه تاثیر دارد، اما توافق یکپارچه برای تعریف فقدان ادب وجود ندارد. پیش پا افتاده ترین نوع تعریف از فقدان ادب می تواند این باشد که: "فقدان ادب رفتاری است که در یک بافت خاص وجهه را تهدید می کند"^۷ (بوزفیلد^۷ و لوکر^۸، ۲۰۰۸).

بسیاری از محققان بر این باورند که این تعریف، تعریف جامع و مانعی نیست. هنگام مقایسه تعاریف، یکی از تفاوت های اساسی نقشی است که برای تشخیص نیت گوینده در فهم فقدان ادب در نظر گرفته شده است (بوزفیلد و لوکر ۲۰۰۸). حال تعاریفی کوتاه از منظر این محققان درمورد فقدان ادب بیان می کنیم و بعد به تعریف نیت گوینده و اهمیت آن در بررسی فقدان ادب می پردازیم.

بوزفیلد (۲۰۰۴: ۱۳۲) فقدان ادب را کنش تهدید وجهه عمدی بلاعوض و جدالی می داند، که با نیت قبلی انجام می شود.

^۵ -distance or closeness

^۶ -respect

^۷ - D. Bousfield

^۸ - M. A. Locher

کالپیر (۱۹۹۶: ۳۶) معتقد است فقدان ادب رفتاری است با قصد صدمه زدن به وجهه مخاطب. فقدان ادب می تواند به علت نبودن ادب ایجاد شود (همان، ۱۹۹۶: ۳۵۷) یا حتی تشکر نکردن از کسی به خاطر هدیه نیز نوعی بی ادبی تلقی می شود (همان، ۲۰۰۵: ۴۲).

به نظر ترکورافی (۱۹۹۹: ۷۰)، فقدان ادب (گستاخی) زمانی رخ می دهد که اصطلاحی که با عرف مطابقت و تناسب نداشته باشد در بافت استفاده شود و وجهه مخاطب را تهدید کند.

همانطور که مشاهده می شود، تعاریف بوزفیلد (۲۰۰۴) و کالپیر (۱۹۹۶) نیت را کلید تعریف فقدان ادب می دانند، درحالی که ترکورافی (۱۹۹۹) بر این عقیده است که در نظر گرفتن نیت باعث می شود رفتار فرد نوعی گستاخی تلقی شود نه فقدان ادب.

گستاخی^۹ در فرهنگ لغت آکسفورد (۱۹۸۹) به بی نزاکتی اهانت آمیز تعریف می شود، اما فقدان ادب، نداشتن یا نشان ندادن رفتار پسندیده است. گستاخی با بی تمدنی، بربریت، خشونت یا تندی همراه است، در حالیکه فقدان ادب، نداشتن ادب و نزاکت است. گستاخی در مقابل فقدان ادب به طور کلی بوسیله نیت تهدید و وجهه توصیف می شود. همچنین، فقدان ادب و گستاخی هر دو نشاندار هستند و محرک هر دوی آنها از نظر استنتاجی تشخیص نیت گوینده است، با این تفاوت که در فقدان ادب استنباط نهایی از نیت گوینده این است که گوینده به هیچ وجه نیت تهدید و وجهه را نداشته در حالی که در گستاخی گوینده قصد این کار را داشته است.

چیزی که واضح است این است که هر دو اصطلاح تقریباً فضای معنایی یکسانی را اشغال می کنند. لوکر و واتز (۲۰۰۵: ۷۹) می گویند حوزه معنایی فقدان ادب ممکن است با اصطلاحات منفی دیگر در مورد رفتار زبانی تهدید و وجهه پر شود. از نظر آنها رفتار نشاندار منفی، رفتاری است که عرف اجتماعی را نقض کرده باشد، از جمله فقدان ادب یا ادب افراطی، گستاخی، خشم، آزار دادن، سخن نیشدار گفتن و نظائر آن.

^۹ - rudeness

چارچوب نظری

کالپیر (۲۰۰۵)

کالپیر در مقاله ۲۰۰۵ خود تعریف پیشین از فقدان ادب را تغییر داده و می‌گوید فقدان ادب هنگامی رخ می‌دهد که (۲۰۰۵: ۳۸):

۱ - گوینده عمداً برای تهدید وجهه مخاطب ارتباط برقرار کند،

۲ - شنونده رفتار گوینده را رفتاری عمدی برای تهدید وجهه تلقی کند و یا

۳ - ترکیبی از ۱ و ۲

نکته اصلی در تعریف اصلاح شده کالپیر این است که فقدان ادب در بستر تعامل گوینده و شنونده شکل می‌گیرد، یعنی پویایی تعامل در بافت بسیار مهم است.

اگر دقت کنیم خواهیم دید که مورد شماره ۲ با ویژگی نشاننداری فقدان ادب در نظریه نسبی لوکر (۲۰۰۴) و واتز (۲۰۰۳) و مورد شماره ۱ با راهبردهای خودداری از ادب کالپیر (۱۹۹۶) برابر است. در ادامه وی معتقد است که نمونه اصلی فقدان ادب مسلماً ترکیب ۱ و ۲ است، یعنی گوینده عمداً وجهه شنونده را تهدید می‌کند و شنونده آن را دریافت می‌کند. البته به نظر وی موارد ۱ و ۲ نیز به صورت مجزا امکان پذیرند. تهدید وجهه ممکن است عمداً صورت گیرد، اما توسط شنونده درک نشود و یا بلعکس شنونده ممکن است سخنی را از طرف گوینده غیر مودبانه تلقی کند (درحالی‌که گوینده قصد تهدید وجهه را نداشته باشد) (کالپیر، ۲۰۰۵: ۳۹).

بعضی از محققان کاملاً با نظر کالپیر موافق نبوده و می‌گویند ما فقط هنگامی باید در مورد فقدان ادب صحبت کنیم که عمدی بودن و کنشهای تهدید وجهه^{۱۰} ای که عمداً ایجاد شده وجود داشته باشد. این کنشها شامل موارد زیر می‌شوند (بوزفیلد، ۲۰۰۷: ۷):

۱ - در بافتی که انتظار می‌رود برای تهدید وجهه تسکینی وجود داشته باشد، تسکین صورت نگیرد.

۲ - تهدید وجهه عمداً شدیدتر شود تا تخریب وجهه انجام شود.

^{۱۰} - Face Threatening Acts (FTAs)

بنابراین، به نظر بوزفیلد (۲۰۰۷b) فقدان ادب موفق تنها به نیت گوینده برای تهدید وجهه وابسته نیست، بلکه نیت گوینده باید توسط شنونده نیز درک شود.

بوزفیلد به پیروی از گافمن (۱۹۶۷ و ۱۹۵۵) راهبردهای برتر کالپیر (۲۰۰۵ و ۱۹۹۶) را تنها به دو مورد فقدان ادب صریح و غیرمستقیم تقسیم می‌کند که در اولی گوینده صراحتاً و به طور مستقیم قصد تهدید وجهه مخاطب را دارد.

کالپیر (۲۰۰۵) تمرکز خود را از نیت و قصد گوینده و تهدید وجهه به بافت و فرهنگ تغییر داد و راهبردهای برتر فقدان ادب را به شرح زیر بازنگری کرد:

۱- فقدان ادب صریح و مستقیم

در نظریه تغییر یافته کالپیر (۲۰۰۵)، مفهوم فقدان ادب مستقیم مشخصاً گسترش یافته و به وجهه در معرض خطر ۱۱ و به جایی که گوینده قصد تهدید وجهه شنونده را دارد و یا جایی که گوینده قدرت بیان عبارت بی‌ادبانه را دارد اشاره می‌کند. بنابراین در فقدان ادب صریح عبارت به صورت مستقیم، روشن و واضح منتقل می‌شود (کالپیر، ۲۰۰۵: ۴۱).

۲- فقدان ادب مثبت

عبارت است از تخریب درخواستی که مخاطب انتظار تأییدش را داشته است. در الگوی جدید کالپیر (۲۰۰۵: ۴۱) سرزنش و نادیده گرفتن دیگران، استفاده از دشواژه‌ها و نظایر آن ابزار تخریب وجهه مثبت مخاطب هستند.

۳- فقدان ادب منفی

عبارت است از تخریب آزادی عمل مخاطب. در این الگوی جدید، فقدان ادب منفی یعنی استفاده از راهبردهایی که برای تخریب خواسته‌های صورت منفی مخاطب استفاده می‌شوند مانند ترساندن، مسخره کردن، سرزنش کردن و ملامت کردن.

۴- فقدان ادب غیرمستقیم

این راهبردهای برتر به جای سخن طعنه آمیز فرا استراتژیک^{۱۱} که در نظریه ۱۹۹۶ بود، استفاده شد. فقدان ادب غیرمستقیم هنگامی است که رنجاندن به طور غیرمستقیم و توسط تلویح یا استعاره صورت گیرد که در صورت احساس خطر بتوان آن را انکار کرد.

۵- خودداری از ادب

ساکت ماندن یا انجام ندادن کاری که نشانه‌ای از ادب تلقی می‌شود. مانند، تشکر نکردن از کسی وقتی طرف مقابل انتظارش را دارد.

مدل کالپیر بعد از تغییرات بسیار به ۵ راهبرد بالا تبدیل شد اما همچنان می‌توان این ۵ مورد را به صورتی دیگر بیان کرد و آنها را به دو گروه از تاکتیکها^{۱۲} تقسیم کرد:

۱- فقدان ادب صریح

استفاده از راهبردهایی که آشکارا (الف) وجه مخاطب را تهدید می‌کنند.

^{۱۱} - meta strategic, nature of sarcasm

^{۱۲} - برای ایجاد تمایز بین این تقسیم بندی و راهبردهای برتر از این واژه استفاده شد.

ب) وجهه مخاطب را ناموزون^{۱۴} و کاملاً جدالی می‌سازد.

ج) نیازها، خواسته‌ها و حقوق مورد انتظار مخاطب را نادیده می‌گیرد.

تهدید وجهه در این مورد بصورت کاملاً روشن و واضح در بافت مورد نظر صورت می‌گیرد.

۲- فقدان ادب غیرمستقیم

استفاده از راهبردهایی است که وجهه مخاطب را تهدید یا تخریب می‌کند، البته بصورت غیرمستقیم و با استفاده از تلویح. امکان لغو یا انکار آن وجود دارد، ولی گوینده نیت تهدید را دارد. سرزنش (سخن طعنه آمیز) و خودداری از ادب زیر این گروه می‌آیند:

الف) طعنه (کنایه)

استفاده از راهبرد یا راهبردهایی که در ظاهر مناسب به نظر می‌رسند، ولی در واقع برای تخریب وجهه بکار می‌روند.

ب) خودداری از ادب

زمانی است که انتظار ادب از گوینده می‌رود، ولی وی از انجام این کار اجتناب می‌کند. در واقع ادب باید در بافت مورد نظر اتفاق می‌افتاده و اتفاق نیفتادنش فقدان ادب محسوب می‌شود (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۵).

باید توجه داشت که آنچه بیان شد از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است، یعنی ممکن است چیزی که در یک فرهنگ مستقیم باشد در فرهنگ دیگر غیرمستقیم تلقی شود و بالعکس.

^{۱۴} - non-harmonious

پرسش‌های پژوهش

اصلی‌ترین سؤال پژوهش این است که زبان غیرمؤدبانه در زنان و مردان فارسی زبان به چه میزان استفاده می‌شود و اینکه آیا متغیرهای زبانی نشانگر فقدان ادب با عوامل اجتماعی مورد نظر ارتباط دارند یا خیر. پرسش‌های مطرح شده به شرح زیر می‌باشند:

۱. کدامیک از انواع فقدان ادب کالپیر (۲۰۰۵) در زبان فارسی مشاهده می‌شوند؟
۲. رابطه میان متغیر سن و کاربرد نشانه‌های زبانی فقدان ادب در زبان فارسی چیست؟
۳. رابطه میان متغیر جنسیت و کاربرد نشانه‌های زبانی فقدان ادب در زبان فارسی چیست؟
۴. کدامیک از مصادیق زبانی فقدان ادب در گروه‌های سنی و جنسیتی متفاوت حساسیت بیشتری را برمی‌انگیزند؟
۵. واکنش گروه‌های سنی و جنسیتی متفاوت به مصادیق زبانی فقدان ادب چیست؟

فرضیه‌های پژوهش

پژوهش حاضر با بررسی متغیرهای زبانی موجود در گفتار افراد، عوامل نشانگر فقدان ادب را مورد ارزیابی قرار داده است، این پژوهش فرضیه‌های زیر را مدنظر می‌گیرد:

۱. همه انواع فقدان ادب کالپیر (۲۰۰۵) در زبان غیرمؤدبانه فارسی مشاهده می‌شوند.
۲. با بالا رفتن سن از کاربرد نشانه‌های زبانی فقدان ادب در زبان فارسی کاسته می‌شود.
۳. مردان بیش از زنان از نشانه‌های زبانی فقدان ادب در زبان فارسی استفاده می‌کنند.
۴. همه مصادیق زبانی فقدان ادب به یک اندازه حساسیت گروه‌های سنی و جنسیتی را برمی‌انگیزند.
۵. گروه‌های سنی و جنسیتی متفاوت به مصادیق زبانی فقدان ادب واکنش شدید نشان می‌دهند.

د: روش پژوهش

گردآوری داده‌ها در تحقیق حاضر به روش میدانی انجام شد. در این پژوهش محقق از دو روش مشاهده و پرسشنامه استفاده کرد. در روش مشاهده پژوهشگر از فضای دادگستری استفاده کرد زیرا آمادگی افراد برای استفاده از زبان غیرمؤدبانه در این مکان بیش از سایر مکان‌ها است بنابراین دادگستری می‌تواند محل مناسبی برای

جمع‌آوری داده‌های مورد نظر باشد. داده‌ها با مراجعه به اداره دادگستری شماره ۲ تهران واقع در میدان ونک جمع‌آوری گردید. متأسفانه به دلایل امنیتی اجازه ورود به داخل اتاق‌های دادگاه و ضبط داده‌ها به پژوهشگر داده نشد بنابراین تنها به مشاهده رفتار افراد در راهروها و یادداشت برداری دقیق از آنها بسنده شد. در شیوه پرسشنامه‌ای (ر.ک. پیوست ۱) از ۴۰ خانم و آقای زیر ۴۰ سال و بالای ۴۰ سال که به‌طور تصادفی در محل‌هایی به‌غیر از دادگستری انتخاب شدند خواسته شد تا نظر خود را در مورد مؤدبانه یا غیرمؤدبانه بودن هر کدام از موارد ذکر شده بیان کنند. همچنین عکس‌العمل آنان نسبت به رفتارهای غیرمؤدبانه نیز مورد پرسش قرار گرفت. پژوهشگر از افراد متفاوت با تحصیلات و موقعیت اجتماعی متفاوت برای تهیه داده‌های پرسشنامه استفاده کرد. هدف پژوهشگر از انتخاب مکان‌هایی به‌غیر از دادگستری این بود که افراد در شرایطی دور از استرس و ناراحتی که به خشونت کلامی می‌انجامد به سؤال‌ها پاسخ دهند.

متغیرها

متغیرهای این تحقیق به دو گروه اجتماعی و زبانی تقسیم می‌شود که در اینجا به اختصار توصیف می‌شوند. متغیرهای اجتماعی مستقل این تحقیق عبارتند از: جنسیت و سن.

جنسیت یکی از عوامل اجتماعی است که باعث بروز تنوعاتی در زبان می‌شود. اینگونه تنوعات زبانی متفاوت در حوزه‌های مختلف آوایی، نحوی، معنایی و واژگانی دیده می‌شود. در بسیاری از جوامع انسانی تفاوت در گفتار زنان و مردان قابل مشاهده و بررسی است، اگرچه ممکن است در برخی موارد کم‌رنگ‌تر و نامشهودتر و در مواردی پررنگ‌تر جلوه‌گر شود. مبحث جنسیت و ارتباط آن با زبان فضایی را فراهم می‌کند که در آن امکان تحلیل و بررسی عوامل فقدان ادب در گفتار افراد وجود دارد.

عامل اجتماعی دیگر سن است که در پیدایش تنوعات زبانی یک جامعه نقش اساسی دارد. اگرچه سن در اساس جنبه بیولوژیک دارد اما به هر حال یک عامل اجتماعی نیز محسوب می‌شود. به طور کلی اعضای یک جامعه زبانی در سنین مختلف الگوهای رفتاری متفاوتی دارند که الگوهای رفتار زبانی از آن جمله هستند.

متغیر زبانی و وابسته این تحقیق عبارت است از کاربرد صورت‌های غیرمؤدبانه در زبان فارسی. هدف پژوهش حاضر آن است که تأثیر متغیرهای اجتماعی جنسیت و سن بر متغیر زبانی نشانه‌های فقدان ادب در زبان فارسی بررسی شود.

روش گردآوری داده‌ها

در پژوهش حاضر برای بررسی میزان کاربرد عوامل غیرمؤدبانه در زبان زنان و مردان علاوه بر تأکید بر گفتار طبیعی افراد از پرسشنامه نیز برای رسیدن به نتایج مورد نظر که در واقع دستیابی به میزان کاربرد عوامل غیرمؤدبانه در زبان زنان و مردان فارسی زبان بود استفاده شد. از ۴۰ نفر خواسته شد تا پرسشنامه تهیه شده را تکمیل کنند و نیز از روش یادداشت برداری از تعاملات صورت گرفته استفاده شد. محقق بعد از پایان به پیاده کردن داده‌های زبانی پرداخت و متغیرهای زبانی در جداولی جداگانه قرار گرفت. آنگاه با توجه به متغیرهای اجتماعی سن و جنسیت نشانگرهای فقدان ادب بررسی و توصیف شد.

جمعیت نمونه

جمعیت نمونه این پژوهش را تعدادی از کارمندان و ارباب رجوعان اداره دادگستری تشکیل می‌دهد که تقریباً ۶۰ نفر بوده و در دو گروه سنی جوان و مسن و دو گروه جنسیتی زنان و مردان می‌باشند.

جمعیت نمونه‌ای که به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند بصورت تصادفی در مکان‌هایی مانند مؤسسه زبان، مغازه‌ها انتخاب شدند. این افراد در دو گروه سنی زیر ۴۰ سال و بالای ۴۰ سال و در دو گروه جنسیتی مؤنث و مذکر بودند.

کلیدواژه‌ها

فقدان ادب، ادب، راهبردهای ادب، وجهه، کنش تهدید وجهه

۵: نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی متغیرهای زبانی موجود در گفتار زنان و مردان سعی دارد میزان کاربرد زبان غیرمؤدبانه را نشان دهد. در این راه فرضیه‌های زیر در نظر گرفته شده بود که به تحلیل آنها خواهیم پرداخت.

۶. همه انواع فقدان ادب کالپیر (۱۹۹۶) در زبان غیرمؤدبانه فارسی مشاهده می‌شوند.

۷. با بالا رفتن سن از کاربرد نشانه‌های زبانی فقدان ادب در زبان فارسی کاسته می‌شود.

۸. مردان بیش از زنان از نشانه‌های زبانی فقدان ادب در زبان فارسی استفاده می‌کنند.

۹. همه مصادیق زبانی فقدان ادب تقریباً به یک اندازه حساسیت گروه‌های سنی و جنسیتی را برمی‌انگیزند.
۱۰. گروه‌های سنی و جنسیتی متفاوت به مصادیق زبانی فقدان ادب واکنش شدید نشان می‌دهند.

الف) فرضیه اول

با توجه به داده‌های بدست آمده از روش‌های مشاهده و پرسشنامه می‌توان نتیجه گرفت که چهار نوع اول از پنج نوعی که کالپیر به عنوان انواع فقدان ادب معرفی کرده است در زبان فارسی تهرانی دیده می‌شود. همچنین پارامترهای "متلک گویی"، "تهدید"، "توهین یا ناسزا"، "قطع کلام"، "عدم عذرخواهی"، "لحن تحقیرآمیز"، "امر و نهی کردن" و "استفاده از ضمائر نامناسب" همگی، از دید زنان و مردان فارسی زبان تهرانی نشانه‌های فقدان ادب به حساب می‌آیند.

ب) فرضیه دوم

نتایج تحلیل آماری داده‌ها نشانگر این مطلب است رابطه بین سن و میزان کاربرد نشانه‌های فقدان ادب معنی‌دار است و در نتیجه زنان و مردان زیر ۴۰ سال بیشتر از نشانه‌های فقدان ادب در گفتار خود استفاده می‌کنند. می‌توان اینطور نتیجه گرفت که بین میزان کاربرد نشانه‌های فقدان ادب و سن رابطه عکس وجود دارد یعنی هرچه سن بیشتر می‌شود میزان تمایل به استفاده از زبان غیر مؤدبانه کاهش می‌یابد.

ج) فرضیه سوم

با توجه به نتایج آماری بدست آمده از داده‌ها، متغیر مستقل جنسیت نیز با میزان کاربرد نشانه‌های فقدان ادب رابطه معنادار دارد، بنابراین مردان بیشتر از زنان غیر مؤدبانه استفاده می‌کنند و در واقع تمایل بیشتری به تهدید و جبهه مخاطب خود دارند. ولیکن زنان کمتر وجهه دیگران را تهدید می‌کنند.

د) فرضیه چهارم

نتیجه دیگری که از تحلیل داده‌ها بدست می‌آید بیانگر این مطلب است که همه مصادیق زبانی فقدان ادبی که مدنظر این پژوهش قرار گرفت وجهه مخاطبان را تقریباً به یک اندازه تهدید می‌کنند.

ه) فرضیه پنجم

تمام گروه‌های سنی و جنسیتی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفتند نسبت به نشانه‌های زبانی فقدان ادب واکنشی یکسان و تقریباً شدید داشتند.

همانطور که مشاهده می‌شود داده‌های بدست آمده فرضیه‌های این پژوهش را تأیید می‌کنند و نشان‌دهنده این مطلب هستند که فارسی‌زبانان تهرانی نسبت به نشانه‌های زبانی فقدان ادب حساس بوده و عکس‌العمل نشان می‌دهند.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

پژوهشگر در حین انجام این پژوهش به موضوعات جالب توجهی دست یافت که می‌تواند برای آنها که علاقمند به مطالعه در این زمینه هستند، سودمند واقع شود که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. مطالعه زبان غیرمؤدبانه از دید تحلیل گفتمان انتقادی.
۲. مطالعه زبان غیرمؤدبانه در گفتار نوجوانان.
۳. بررسی بکارگیری نشانه‌های زبانی غیرمؤدبانه در زبان ادبیات.

چکیده

زبان یک پدیده اجتماعی است که به برآورده کردن نیازهای ارتباطی جامعه‌های گوناگون انسانی می‌پردازد. مطالعاتی که در حوزه جامعه‌شناسی زبان صورت گرفته، نشان داده است که ساخت و کاربرد زبان بی‌تأثیر از عوامل اجتماعی یا متغیرهای غیرزبانی مانند جنسیت، سن، تحصیلات، قومیت، طبقه اجتماعی و غیره نیست. پژوهش حاضر به بررسی زبان غیرمؤدبانه در زبان زنان و مردان فارسی زبان تهرانی با توجه به عوامل اجتماعی سن و جنسیت می‌پردازد. در این میان همبستگی نشانگرهای زبانی فقدان ادب با نشانگرهای اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد

در پژوهش حاضر، پژوهشگر از روش میدانی (مشاهده و پرسشنامه) برای گردآوری داده‌ها استفاده کرده است. جمعیت نمونه روش مشاهده ۴۰ نفر (۲۰ نفر زن و ۲۰ نفر مرد) بودند که به صورت تصادفی انتخاب شدند. افراد با توجه به متغیر سن در دو گروه زیر ۴۰ سال و بالای ۴۰ سال قرار گرفتند. همچنین در قسمت پرسشنامه ۲۰ نفر آزمودنی (۱۰ نفر زن و ۱۰ نفر مرد) مورد بررسی قرار گرفتند که آنها نیز به دو گروه سنی زیر و بالای ۴۰ سال تقسیم شدند. یافته‌های حاصله از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد، چهار نوع اول فقدان ادب کالپیر (۲۰۰۵) در زبان غیرمؤدبانه فارسی‌زبانان یافت می‌شود. میان کاربرد نشانگرها و سن رابطه‌ای عکس وجود دارد یعنی با افزایش سن تمایل به به کارگیری نشانه‌های فقدان ادب کاهش می‌یابد همچنین میان جنسیت و نشانه‌های فقدان ادب نیز رابطه‌ای معنادار وجود دارد بدین معنا که آقایان بیشتر از نشانه‌های فقدان ادب استفاده می‌کنند. تمامی مصادیق زبانی فقدان ادب تقریباً به یک اندازه وجه مخاطبان را تهدید می‌کنند و در نهایت، واکنش گروه‌های مختلف اکثراً همراه با تذکر به رفتار غیرمؤدبانه مخاطبشان بوده است.

فصل اول: کلیات

۱-۱ مقدمه	۲
۲-۱ بیان مسئله	۳
۳-۱ هدف پژوهش	۸
۴-۱ پرسش‌های پژوهش	۹
۵-۱ فرضیه‌های پژوهش	۱۰
۶-۱ روش پژوهش	۱۰
۱-۶-۱ متغیرها	۱۱
۱-۶-۲ روش گردآوری داده‌ها	۱۱
۱-۶-۳ جمعیت نمونه	۱۲
۷-۱ کلیدواژه‌ها	۱۲
۸-۱ مشکلات و تنگناهای احتمالی تحقیق	۱۲
۹-۱ ساختار پژوهش	۱۳

فصل دوم: مفاهیم بنیادی و پیشینه